

ما

و

قطعه نامه

عجریان و شخصیت سیاسی

در پی اقداماتی که از سوی بعضی از نیروهای سیاسی صورت گرفت ، قطعنامه‌ای از جانب ۶ جریان و شخصیت سیاسی باامضاء رسید. در متن این قطعنامه قطع فوری جنگ میان حزب دمکرات و کومله درخواست شده است .

با توجه به اهمیتی که برقراری صلح میان این دو نیرو برای پیشرفت جنبش خلق کرد در شرایط کنونی دارد، سازمان ما با هدف تبدیل جنگ به صلحی که به پیشرفت جنبش کمک نماید در این تلاش مشارکت نمود. لیکن بدلیل عدم توافق با جهت‌گیری سیاسی قطعنامه مزبور از امضاء آن خودداری کرد. از این لحاظ توضیح نکاتی چند را در اینباره ضروری میدانیم :

این جنگ در نتیجه اتخاذ سیاستی از جانب حزب دمکرات دامن بر ضربه زدن به نیروهای انقلابی در نقاط تحت تسلط خود، جلوگیری از تبلیغات آنان و پیشگیری از انزوای خود در این مناطق و نیز استفاده از این قدرتمندی در مذاکره و کسب امتیاز از جمهوری اسلامی برپا گردید و تاکنون با اصرار و پافشاری این حزب بر ادامه جنگ لطبات جدی‌ای به جنبش کردستان و انقلاب ایران وارد شده و میشود. لیکن این سیاست ضدانقلابی در فاصله دو سال و نیمی که از آغاز جنگ میگذرد برای توده‌های خلق کرد بیش از پیش افشاء شده و مورد تنفر قرار گرفته است. توده‌های مردم عموماً خواهان پایان گرفتن این جنگ بوده و بخشهای پیشرو مردم با محکوم نمودن سیاست حزب دمکرات و اصرار و پافشاری او بر ادامه جنگ طی قطعنامه‌ها و اشکال گوناگون دیگر خواهان پایان آن شده‌اند. این قطعنامه‌ها خود یکی از عوامل مهم رسوایی و به بن‌بست رسیدن سیاست آن حزب در این زمینه گردید.

قطع این جنگ و برقراری صلح میان حزب دمکرات و کومله در شرایط کنونی منافع زیادی برای انقلاب دربرداشته و بفتح تمامی نیروهای انقلابی است که هر چه سریعتر این جنگ خاتمه یابد. ولی این بدان معنا نیست که صلح بهر قیمتی و با هر سیاستی که بدست آید مطلوبست و صغیندی و توازن قوای طبقاتی که از این صلح بدست می‌آید حائز اهمیت نیست. یا زیر پا رفتن دستاوردهای دمکراتیک جنبش در برابر صلح اهمیتی ندارد و یا ارتقاء آگاهی سیاسی طبقاتی توده‌ها مد نظر نباشد. بعکس بدون در نظر داشتن این نکات هرگونه مبارزه‌ای که هدف خود را دستیابی به صلح فوری - علیرغم حیاتی بودن آن- قرار دهد جز پراکندن توهبات لیبرالی در میان توده‌ها کاری انجام نخواهد داد.

اینک حزب دمکرات با اصرار بر ادامه سیاستهای فوق در بدترین دوران انزوی سیاسی خود نزد توده‌های خلق کرد و نیروهای انقلابی بسر میبرد. حزب دمکرات برای بیرون آمدن از انزوی سیاسی خود طرح ایجاد جبهه‌ای * از "نیروهای مترقی ضد امپریالیست" را به پیش کشیده و در جستجوی متحدینی از هر طیف از نوکران توده‌ای و اکثریتی شوروی گرفته تا طرفداران آشکار بلوک غرب مییابد. لیکن وجود جنگ با کومله اینک مشکلی جدی در برابر ایجاد جبهه مزبور نیز هست. غیر از نیروهای بیشمری چون اکثریت و حزب توده که بارها حمایت خود را از جنگ دمکرات بر علیه کومله اعلام کردند، نیروهای دیگر حتی از آن قماش، امروز حاضر به شرکت در جبهه‌ای که درگیر با یک نیروی سیاسی با وجهه‌ای انقلابی باشد نیستند. زیرا چنین امری در میان توده‌های مردم لطمه‌ای جدی به "اعتبار" چنین جبهه‌ای وارد خواهد ساخت.

از سوی دیگر اگر دو سال پیش، جنگ با کومله و اصرار بر ادامه آن از جانب حزب دمکرات، میتوانست در مذاکره با جمهوری اسلامی امتیازاتی برایش داشته باشد، امروزه حزب دمکرات امیدی به مذاکره و کسب امتیاز از جمهوری اسلامی ندارد. و از این زاویه نیز این جنگ کارآئیش را از دست داده است.

سیاستی که به شروع جنگ از جانب حزب دمکرات منجر شد نتایجی خلاف انتظار وی به‌مراه آورد و موجب به بن‌بست رسیدن وی چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه نظامی گشت. اگر آغاز جنگ نشانه به بن‌بست رسیدن سیاست وی در مقابله با نیروهای انقلابی بود، امروزه هم ادامه این جنگ و هم پایان آن برای وی بن‌بست دیگریست. اگر بخواهد جنگ را ادامه دهد با مسئله "جبهه" و بحران سیاسی نظامی خود چه کند؟ و یا بالعکس اگر بخواهد بپای صلح با کومله برود جواب افکار عمری را چه بدهد و چه توجیهی برای سیاستهای قبلی خود بتراشد؟

حزب دمکرات، مانند هر حزب بورژوازی دیگری که با بن‌بست جدی روبرو شود، در حین حفظ شرایط و اصول خود از یکسو نرمشهایی از خود نشان داده و از سوی دیگر با اتکاء به این نرمشها، فشارهای وارده از

* طرح جبهه و یا بمیان کشیدن این قبیل شعارها از سوی حزب دمکرات هدف مشخص سرکرم نبودن " و "منتظر نگهداشتن" پایه‌های خود در دور دیگری از بازی با احزاب بورژوازی را نیز دنبال میکند.

هر طرف را کاهش داده و انتظاراتی که در توده مردم بوجود می‌آید را محدود و محدودتر ساخته تا از رادیکالیسم آنان بکاهد و به چارچوب‌های لیبرالی بکشد. در حال حاضر این حزب سیاست ادامه جنگ را همراه با سیاست درگیری کمتر در جنگ با کومله دنبال میکند و مایل بدست برداشتن از آن بدون تحمیل شرایط خود نیست.

در متن چنین شرایطی است که قطعنامه مزبور معنی و مفهوم مشخص می‌یابد. بنظر ما همانطور که در جلسات نشست جریان‌ات سیاسی مطرح نمودیم، هر اقدام جدی از جانب هر نیرویی که واقعا خواهان پایان یافتن این جنگ بفتح جنبش باشد بدون محکوم کردن حزب دمکرات که مسبب واقعی این جنگ است، و بارها آزادیهای دمکراتیک بدست آمده از طریق مبارزات توده‌ای و جنگ علیه جمهوری اسلامی را - نه فقط در مورد کومله بلکه در مورد اکثریت نیروهای سیاسی - نقض کرده، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

یا باید مانند قطعنامه مزبور درباره این سیاست حزب دمکرات که موجبات این جنگ را فراهم نمود، سکوت اختیار کرد و با اینکار صلحی را خواست که بر عوامل گذشته جنگ مهر حقانیت بکوبد و یا بایستی سیاستی را که منجر به این جنگ شد پیش چشم هبگان فاش ساخته و محکوم نمود تا اگر این تلاشها به ثمر رسد شرایطی حکمفرما شود که در آن شروع مجدد جنگ به بهانه‌های گذشته و مشوب کردن اذهان در اینباره به آسانی ممکن نباشد و شرایط فعالیت و تبلیغات سیاسی و نظامی تضمین لازم را نه در حرف بلکه در عمل بیابد. آن صلحی که ریشه‌های شروع جنگ را دست نخورده باقی بگذارد، نطفه شروع مجدد جنگ را در دل خود می‌پروراند. شرایطی که قطعنامه مزبور پیش می‌نهد، این نطفه را رشد خواهد داد.

قطعنامه با خودداری از محکوم کردن حزب دمکرات، در واقع در فشار آوردن برای پایان جنگ قاطع و پیکر نبوده و تلاشی ماباشات‌جویانه در راه دستیابی به سازش با حزب دمکرات بخرچ میدهد. و راه را برای مانورهای حزب مزبور چه در این اقدام مشخص برای رقیقتن ساختن خواستهای قطعنامه و چه در ادامه این سیاست خود، بطور کلی باز می‌گذارد.

در پس پرده قطعنامه

برخلاف نگرش تنگ نظرانه و ناسیونالیستی رایج در جنبش کردستان که اوضاع و احوال و صفتبندی نیروهای طبقاتی را در محدوده کردستان جدا از تحولات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای مینگرد، صفتبندیهای بین‌المللی و منطقه‌ای که در نتیجه تدارکات جنگی دو بلوک امپریالیستی برهبری آمریکا و شوروی در حال شکل‌گیری است، نقش تعیین‌کننده‌ای بر نیروهای طبقاتی کوناگون بویژه احزاب بورژوازی دارد. و آنان را عملاً مجبور به اتخاذ موضع در قبال مسائل حاد سیاسی جهان میکند. این امر را بوضوح در زمینه جنگ ایران و عراق میتوان مشاهده نمود که چگونه قطب بندیهای سیاسی‌ای را حول خود در میان نیروهای سیاسی کردستان و بویژه اپوزیسیون بورژوازی در کشور بوجود آورد. اما نفوذ و تاثیر تدارکات جنگی دو بلوک بسیار عمیقتر از جنگ ایران و عراق بوده و فشاری است که تمامی نیروهای بورژوازی و خرده‌بورژوازی را به‌وضع‌گیری و تعیین تکلیف وادار مینماید.

حزب دمکرات در تطبیق خود با چنین اوضاعی مناسبات سیاسی خود را در عرصه ملی و بین‌المللی تثلیث و روشن میکند. این حزب علیرغم اینکه در نشریات خود داناتا از بلوک شوروی و اقدامات وی در خدمت به "صلح جهانی" (در واقع تدارک شوروی برای جنگ جهانی سوم) دفاع میکند، لیکن کماکان چشم‌امیدی به سوسیال‌دمکراسی اروپا دارد و پندهای خود را از آن نکسته و امکان مانور برای استفاده از این شکاف را برای منافع بورژوا ناسیونالیستی خود باز گذاشته است. از این نمونه است شرکت حزب دمکرات در کنکره "انترناسیونال" سوسیال‌دمکراسی در لیا پایتخت پرو. *

* اما "تعهدات بین‌المللی" و استفاده از شکافها برای این احزاب همیشه توأم با موفقیت نبوده و گاه باعث "پیشامدهای ناکوار" و افشاگرانه میشود. از جمله در همان زمان که دبیرکل این حزب برای آلن کارسیا رئیس‌جمهور سوسیال‌دمکرات و جنایتکار پرو در کنکره مزبور دست میزد و از وی بعنوان فردی "بسیار ضدامپریالیست و مترقی" که "عقاید حزب دمکرات را در کنکره بیان میکرد" (رجوع کنید به نشریه کوردستان شماره ۱۲۰) نام میبرد، رژیم کارسیا ۴۰ زندانی و اسیر جنگی عضو ارتش چریکی خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو را قتل عام میکرد.

سیاست حزب دمکرات در کردستان ایران جزئی از سیاستهای کلی این حزب در عرصه ملی و بین‌المللی می‌باشد. و جنگ حزب بر علیه کومله نیز در متن چنین سیاستهایی و برای بند و بست‌هایش با بورژوازی بین‌المللی و جمهوری اسلامی آغاز گردید. سیاستی که حزب دمکرات را به کنار نهادن "دمکراسی" نیم بند گذشته خود و تنظیم مناسباش با نیروهای انقلابی از طریق قهر و اदार نمود.

از سوی دیگر، تحولات اخیر جنگ ایران و عراق و فشارهای ناشی از آن بر نیروهای ایرانی، هر نیرویی را بنکر چاره برون رفت از این شرایط انداخت. نیروهای رویزیونیست طرفدار شوروی با استفاده از این شرایط و در خدمت به هدف ایجاد و تقویت جبهه‌ای * که سیاستهای امپریالیستی شوروی را در ایران به پیش برد و نیروهای متزلزل و سانتیست را با خود همراه نماید، نقش فعالی در صدور این قطعنامه ایفاء نمودند.

قطعا در جبهه مطلوب رویزیونیستها، حزب دمکرات با توجه به اعتبار و نیروی مسلخی که در کردستان دارد میتواند نقش مهمی ایفا کند. و بهمین جهت چگونگی بیرون آمدن حزب دمکرات از بن‌بست کنونی برای آنان اهمیت داشته و خواهان آنند که حزب مزبور چهره "انقلابی" خود را حفظ کرده و آبرومندانه از این مهلکه بیرون بیاید یا حداقل زمینه‌های چنین امری را از هم‌اکنون آماده سازند تا راه برای

*در اینمورد میتوان به بیانیه اخیر "راه کارگر" برای ایجاد "جبهه واحد ضدامپریالیستی" و یا پلانفرم اتحاد عمل "راه کارگر" و "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شورایعالی)" و یا دفاع رویزیونیستها از پیشنهادات حزب دمکرات برای ایجاد جبهه رجوع نمود.

رویزیونیستهای طرفدار شوروی در این جلسات با پیشنهاد ما مبنی بر "محدود ساختن فعالیت سیاسی احزاب و دستجاتی که در همکاری با رژیم شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی یعنی عوامل سابق جمهوری اسلامی و سلطنت‌طلبان و حزب توده و اکثریت که در سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد مستقیما شرکت داشتند" بطور جدی بمخالفت برخاستند. زیرا وجود چنین مضمونی در قطعنامه صف‌بندی مطلوب آنان را در شرایط صلح بزیر سؤال میبرد. "راه کارگر" آگاهانه تحت لوای "دمکراسی بی قید و شرط" در واقع زمینه و راه را برای اتحاد با حزب توده و اکثریت و یا هر نیروی ضدانقلابی دیگری که به گذشته خود "انتقاد" کند، باز میگذارد.

بندوبستهای آتششان با وی سهلتر گردد و در عین حال تصویب این قطعنامه باید به‌ثابه اهرم فشاری بر روی حزب دمکرات نیز باشد تا تزلزلاتش را در صحنه جهانی و نزدیکیش با سوسیال دمکراسی اروپا و همچنین مذاکراتش با عوامل آشکار بلوک غرب را برای ایجاد جبهه خنثی سازد. و این حزب را از موضع تبعی به اتحاد با رویزیونیستها بکشاند. از همین رو "راه کارگر" و سایر متحدینش به مخالفت جدی با محکوم ساختن حزب دمکرات در قطعنامه، بخاطر نقض دمکراسی در کردستان برخاستند و حتی حاضر به قبول پیشنهاد ما داتر بر محکومیت هرکس (حتی بدون ذکر نام حزب دمکرات) که بز ادامه جنگ اصرار می‌ورزد نشدند.

از سوی دیگر رویزیونیستها امیدوارند امتیازی که در قطعنامه (نسبت به مواضع قبلیشان در برخورد به این جنگ) به کومه میدهند، در باغ سبزی باشد تا کومه دست از "سکترایسم" و "شوروی ستیزی" بردارد و تن به همکاریها و اتحاد عملهای در زمینه "جبهه واحد کارگری" و... به آنان بدهد.

هدف سیاسی که رویزیونیستها از درون این قطعنامه دنبال میکنند در شرایط حاضر بطور مشخص و عمده آبرو خریدن برای حزب دمکرات و نجات وی از انزوای سیاسی کنونیش میباشد، تا زمینه را برای بندوبستهای بیشترشان با حزب دمکرات فراهم کند. حال اگر امضاء ساتریستیهای که چند قدم جلوتر را نمیبینند و بر مبنای منافع لحظه‌ای و آتی خود عمل میکنند، در میان امضاءکنندگان دیده میشود، هیچ تغییری در ماهیت و جهت‌گیری سیاسی این قطعنامه نخواهد داشت.

* "حزب کمونیست ایران" از زمانیکه "زمزمه‌های تقسیم مجدد جهان" (به مقدمه بسوی سوسیالیسم شماره ۲ دوره دوم رجوع کنید) را شنیده است، ترجیح داده که در تحلیلهای سیاسی خود در عرصه تحولات ایران و منطقه و جنگ ایران و عراق و... اشاره‌ای به نقش شوروی نداشته باشد و در این زمینه سکوت پیشه سازد. امروزه رقابت دو بلوک عاملی است که با تکامل و گسترش انقلاب رابطه بهم تنیده‌ای دارد و کلیه نیروهای انقلابی ناکزیر از رویارویی و مقابله با چنین رقابتی هستند. اگر در آینده "تقسیم مجدد جهان" بطور عینی و بشکل یک جنگ جهانیگیر امپریالیستی در دستور کار عملی قرار گیرد "حزب کمونیست ایران" چه خواهد کرد؟ چه سیاستی را اتخاذ خواهد نمود؟ این سئوالی است که این حزب مجبور است بدان پاسخ مشخص دهد.

هدف دیگر این قطعنامه سرپوش گذاشتن بر روی تمامی مواضع اپورتونیستی و رویزیونیستی و دوپهلونی که از جانب اکثریت این نیروها در ابتدای این جنگ اتخاذ شده بود، میباشد. اصرار حزب دمکرات بر ادامه این جنگ در فاصله این دو سال و نیم آنقدر موجب رسوائی بود که اکثریت این نیروها بنوعی مجبور شدند بی سروصدا مواضع گذشته خود را پس گرفته و به اشکال و راههای گوناگون شعار "آتش بس بدون قید و شرط" را در رابطه با این جنگ قبول کنند. بدون اینکه روشن سازند چرا این شعار دو سال و نیم پیش غلط بود و آنها به چه دلیل به مخالفت با آن برخاستند.

در واقع رویزیونیستها از سر دلسوزی برای منافع خلق کرد نیست که این قطعنامه را تنظیم کرده‌اند، بلکه آنرا برای معامله و زدوبندهای خود با حزب دمکرات و کومله لازم دارند. این قطعنامه حتی ککی به دستیابی به صلحی با شرایط دمکراتیک ننموده و نسبت به قطعنامه‌های صادره توسط مردم کردستان دارای يك مضمون عقب افتاده میباشد و نقشی جز رقیق کردن و لیبرالی کردن مضمون صلح در کردستان (همان هدفی که امروزه حزب دمکرات در برخورد به بن‌بست کنونی‌ش دنبال میکند) نخواهد داشت.

این قطعنامه نباید مورد پشتیبانی قرار گیرد، بلکه باید مضمون لیبرالی، مقاصد سیاسی امضاءکنندگان و دنباله‌روانشان، و همینطور صفا بندی شکل گرفته بر حول آن را افشاء نمود. باید به توده‌های خلق کرد بطور صریح و آشکار گفت که مسبب واقعی این جنگ، حزب دمکرات بوده و صلح نیز زمانی عملی خواهد گردید که این حزب دست از این سیاست ضدانقلابی خود بردارد. و این کار نه با استغاثه از حزب دمکرات بلکه با افشاء و مبارزه با سیاستهای این حزب در عرصه ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود.

_____ اتمادیه کمونیستهای ایران (سربرداران) کمیته
کردستان

_____ ۱۳۶۶/۳/۲۵

بیانیه مشترک

بیش از دو سال و نیم از آغاز جنگ میان حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) میگذرد. اینجنگ از جانب حزب دمکرات در ادامه سیاست ضددمکراتیک ضد کمونیستی‌اش و برای مقابله با پیشروی و رادیکالیسم جنبش کردستان و ضربه زدن به نیروهای انقلابی و جلوگیری از فعالیت سیاسی - نظامی آنان، بمنظور پیشگیری از انزوای خود، در شرایطی صورت گرفت که حزب دمکرات مشغول مذاکره با جمهوری اسلامی برای کسب امتیاز بود.

شروع این جنگ و اصرار حزب دمکرات بر ادامه آن تاکنون لطبات جدی به جنبش انقلابی کردستان و انقلاب ایران وارد کرده است. و اکنون نیز روشن گردیده که حزب دمکرات به اهدافی که با شروع این جنگ دنبال مینمود دست نیافته و برای خارج شدن از بن‌بستی که بدان دچار شده است، دنبال راه‌حلهای تازه‌تری برای تطبیق خود با تحولات سیاسی کنونی در سطح ملی و بین‌المللی میباشد.

توده‌های انقلابی کردستان بدرستی خواهان پایان بخشیدن به این جنگ بوده و بخشهای پیشرو خلق کرد با محکوم کردن حزب دمکرات و اصرار او بر ادامه این جنگ، طی قطعنامه‌ها و به اشکال گوناگون قطع فوری آن را خواستار بوده و هستند.

بنظر ما در شرایط کنونی پایان دادن به این جنگ و دستیابی به صلحی دمکراتیک بفتح جنبش انقلابی کردستان و انقلاب ایران بوده و میتواند این جنبش را در رسیدن به اهداف دمکراتیک - انقلابیاش کامی بجلو برد. ما خواهان صلحی هستیم که دستاوردهای دمکراتیک جنبش کردستان را حفظ نموده و موجبات ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی توده‌های کردستان را فراهم نماید، و سیاست جنگ‌طلبانه حزب دمکرات را محکوم کند. بدین منظور عاجلترین مسئله برای برقراری صلح را قبول آتش‌بس فوری و بی قید و شرط از جانب حزب دمکرات میدانیم. همچنین معتقدیم این صلح باید متضمن رعایت دو نکته زیر باشد:

۱- حل اختلافات بشیوه سیاسی

۲- آزادی فعالیت سیاسی - نظامی برای کلیه نیروهای انقلابی و برسیست
شناختن حقوق دموکراتیک توده‌های خلق کرد.

به اعتقاد ما تنها صلحی میتواند بیانگر منافع انقلاب باشد که بر مبنای
بیانیه فوق متحقق گردد. لذا از خلق رزمنده کرد و کلیه کارگران و
زحمتکشان ایران و نیروهای سیاسی میخواهیم که از این بیانیه پشتیبانی
نمایند.

_____ اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)
کمیته کردستان

_____ رزمندگان آزادی طبقه کارگر - کردستان

_____ هسته رزم کمونیستی

_____ ۱۳۶۶/۴/۴